

مجموعه فلسفه و اقتصاد سیاسی - ۵

خطابه ارتجاع

انحراف، بیهودگی، مخاطره

نویسنده: البرت هیرشمن

مترجم: محمد مالجو

سرشناسه	هیرشمن، آلبرت او، ۱۹۱۵-م. Hirshman, Alberto
عنوان و نام پدیدآور	خطابه ارتجاع؛ انحراف، بیهودگی، مخاطره / نویسنده آلبرت هیرشمن؛ مترجم محمد مالجو
مشخصات نشر	تهران: پردیس دانش، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	هـ ۲۰۸+ص. جدول
فروست	مجموعه فلسفه و اقتصاد سیاسی؛ ۵.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۹-۴۵-۴
یادداشت	عنوان اصلی: The rhetoric of reaction: perversity, futility, jeopardy, 1991
یادداشت	چاپ قبلی: موسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۲.
یادداشت	کتابنامه ص: ۱۹۳-۲۰۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه.
موضوع	محافظه کاری--تاریخ
موضوع	فقر--وضع حقوقی و قوانین--تاریخ
موضوع	حق رای--تاریخ
موضوع	ولت رفاه--تاریخ
شماره افزوده	مالجو، محمد، ۱۳۵۱-، مترجم
رده بندی کنگره	JC۵۷۳.۹۶۱۳۸۷
رده بندی دیویی	۳۲۰.۵۵۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۱۵۷۱۳۶۹۰



خطابه ارتجاع

انحراف، بیهودگی، مخاطره

نویسنده: آلبرت هیرشمن

مترجم: محمد مالجو

طراح جلد: پردیس خرسی

چاپ: اکسیر

صحافی: سپیدار

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۱

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

شابک: ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۹-۴۵-۴

تلفن: ۲۲۲۰۶۱۳۳ - فکس: ۲۲۶۸۷۲۰۴

همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazhketab.net

فهرست مطالب

مقدمه دبیر مجموعه	هفت
مقدمه	۱
فصل اول: دو است سال خطابه ارتجاعی	۳
سه عکس العمل ارتجاع و سه تر ارتجاعی	۵
حاشیه‌ای بر اصطلاح «ارتجاع»	۱۰
فصل دوم: تر انحراف	۱۳
انقلاب فرانسه و اعلان اثر انحرافی	۱۴
حق رأی همگانی و آثار انحرافی ادعاشده‌اش	۲۲
قوانین حمایت از تهی‌دستان و دولت رفاه	۲۹
تأملاتی در باب تر انحراف	۳۸
فصل سوم: تر بیهودگی	۴۷
تردید در دامنه تغییرات ناشی از انقلاب فرانسه: توکویل	۵۰
تردید در دامنه تغییرات احتمالی ناشی از حق رأی همگانی:	
موسکا و پاره‌تو	۵۴
تردید در وفای دولت رفاه به تهی‌دستان	۶۶
تأملاتی در باب تر بیهودگی	۷۵
فصل چهارم: تر مخاطره	۸۷
دموکراسی تهدیدی برای آزادی	۹۲
دولت رفاه تهدیدی برای آزادی و دموکراسی	۱۱۶
تأملاتی در باب تر مخاطره	۱۲۸

۱۴۱	فصل پنجم: مقایسه و تلفیق سه تز
۱۴۱	جدول خلاصه شده
۱۴۴	تأثیر نسبی ترها
۱۴۷	چند تعامل ساده
۱۵۱	تعاملی پیچیده تر
۱۵۷	فصل ششم: از خطابه ارتجاعی تا خطابه مرفعی
۱۵۷	توهم معاضدت و تز خطر قریب الوقوع
۱۶۲	«تاریخ پشتیبان توست»
۱۶۶	همتایان تر انحراف
۱۷۱	فصل هفتم: فراسوی سازش باپذیری
۱۷۱	تغییر جهتی در استدلال؟
۱۷۴	راه بستن باب گفتگو در دموکراسی
۱۷۸	کتابشناسی آثار آلبرت هیرشمن
۱۸۹	فهرست اعلام

مقدمه دبیر مجموعه

عادت بر این است که نوشته‌ها، گفتارها و استدلال‌هایی که بر حفظ نظم موجود تأکید دارند و در نتیجه بر نقد اساسی هر گونه تغییر و اصلاح پافشاری می‌کنند به صرف هدفی که دنبال می‌کنند مورد انتقاد قرار گیرند و لهذا بدون توجه کافی و وافی به کناری نهاده شوند. وعده آینده‌ای بهتر و جامعه‌ای عاری از کاستی‌های وضعیت حال، همواره چندان جذاب بوده است که اندیشمندان و فعالان سیاسی و اجتماعی را از دقت در ساختار منطقی گفتارهایی که خلاف آن را استدلال کرده‌اند باز داشته است. کتاب حاضر استثنایی است بر این قاعده.

هیرشمن با روشن‌بینی و دقت خاص خود در این کتاب با بازخوانی نوشته‌های نظریه‌پردازانی همچون توکویل، مِستر، اسپنسر، پاره‌تو، لوبن و استیگلر به تبارشناسی گفتارهایی می‌پردازد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از حفظ نظم موجود دفاع کرده‌اند. او این گفتارها را با توجه به این که حول مفاهیمی مانند انحلال، بهبودگی و مخاطره یا مخلوطی از این سه، شکل گرفته باشند به سه دسته اصلی و چند دسته فرعی تقسیم کرده است و هر مورد را با مثال‌های عدیده‌ای که برگرفته از ادبیات سیاسی در قرن اخیر هستند توضیح می‌دهد.

اهمیت کار هیرشمن نه فقط در شناسایی این گفتارها و از این طریق آشکار کردن وجود عقلانیت در آن رشته استدلال‌هایی است که مدت‌ها تحت عناوینی چون ضدانقلابی و ضددموکراتیک کنار گذاشته شده‌اند، بلکه در این نیز هست که به خواننده امکان می‌دهد بتواند فراتر از ادعاها و القاب و عناوینی که اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اختیار می‌کنند، هر بار آنهایی را که به تغییر و اصلاح چشم امید

دارند از آنهایی که نگران دست خوردن به وضع موجود هستند، شناسایی کند. در واقع اهمیت اصلی این کتاب در فاش کردن و شناساندن ساختارهای منطقی گفتارهایی است که همگی در مجموعه‌ای به نام خطابه ارتجاع جای می‌گیرند، فارغ از نیت نظریه پرداز، اهداف او و وسایلی که برای رسیدن به منظور خویش برمی‌گزیند.

مراد ثقفی

مقدمه

«جل الخالق! آخر آدم چطور این طوری می شود؟» در داستانی کوتاه از جامائیکا کین کاید^۱ در نیویورک،^۲ این سؤال را مستخدمه کم سن و سال کارائیبی دم به ساعت با سماجت درباره خانم خانه داری می پرسد که مادری است احساساتی، پس مهربان، تا حدی تحمل ناپذیر، صاحب چهار بچه و اهل آمریکای شمالی. در این بستر، تفاوت های پیشینه اجتماعی و نژادی تا حد زیادی پاسخ سؤال را مهیا می کند. با این حال، حین خواندن داستان به نظرم رسید که موضوع بحث کین کاید، یعنی نگرانی از دیگربود همه جانبه و نازدودنی و ازارنده دیگران، هسته اصلی کتاب حاضر است. این تجربه اضطراب آور به راستی مختص حوامع دموکراتیک مدرن است که فرد نه فقط از عقاید انبوهی از معاصرانش دور می افتد، بلکه از کل تجربه زندگی خیل هم روزگارانیش نیز دور نگه داشته می شود. در این روزهای بزرگداشت عالمگیر الگوی دموکراتیک چه بسا انگشت نهادن بر کاستی های عملکرد دموکراسی های غربی گستاخانه جلوه کند. اما درست همین فروریختن تماشایی و شفاف انگیز برخی دیوارهاست^۳ که توجهات را به دیوارهای کماکان پابرجا یا ترک های در حال تعمیق جلب می کند. در زمره کاستی های دموکراسی یک مورد هست که اغلب می توان در دموکراسی های پیشرفته تر متوجه اش شد: فقدان سیستماتیک ارتباط و گفتگو میان گروه های مختلف شهروندان، مثل لیبرال ها و محافظه کاران یا ترقی خواهان و مرتجعان. به نظر من جدایی حاصله این گروه های بزرگ از همدیگر خیلی نگران کننده تر است از انزوای افراد بی هنجار در «جامعه توده ای» که این همه مایه نگرانی جامعه شناسان شده است.

1. Jamaica Kincaid (1949- ...)

2. New Yorker, June 26, 1989, pp. 32-38.

۳. اشاره به فروریختن دیوار برلین در نهم نوامبر سال ۱۹۸۹. (م)

طرفه این که صرف عملکرد باثبات و معقول جامعه دموکراتیک بسامان هم در گرو صف آرایی شهروندان در چند (به طور ایده آل دو) گروه اصلی است که درباره مسائل مقدماتی سیاست گذاری عقاید مختلف دارند. از این رو، ای بسا به سهولت اتفاق می افتد که این گروه ها با دیواری بلند از هم جدا می شوند - بدین اعتبار دموکراسی پیوسته دیوارهای خاص خود را پدید می آورد. هم چنان که این فرآیند خود را تغذیه می کند، هر گروه سرانجام در مقطعی با اوج حیرت و اغلب تنفیری متقابل درباره دیگری خواهد پرسید: «جل الخالق! آخر این آدم ها چطور این طوری می شوند؟»

میان دهه هشتاد، هنگام شروع پژوهش حاضر بود که بی شک بسیاری از لیبرال ها در ایالات متحده، از جمله خودم، جنبش رو به رشد و پیرومندانه محافظه کاری و نو محافظه کاری را نظاره می کردند. یک واکنش به این اوضاع و احوال عبارت بود از تحقیق در باب طرز فکر و منش محافظه کاری. اما حمله رودرو و علی الظاهر همه جانبه ای از این دست از دید من نویدبخش جلوه نمی کرد، چه، شکاف را تعمیق می بخشید و وانگهی به جذابیت بی مورد رقیبی دیونمایانده شده می انجامید. از این رو، بر آن شدم تا به مطالعه ای «بی طرفانه» درباره پدیده های ظاهری بپردازم: مطالعه تاریخی و تحلیلی گفتار^۱ و خطابه و استدلال ها. در جریان مطالعه کاشف به عمل آمد که خصوصیات شخصیت های اصلی چندان هم شکل دهنده گفتار نیست بلکه گفتار را قواعد استدلال شکل می دهد، کم یابیش فارغ از خواسته ها و سلوک و عقاید شرکت کنندگان. بسا که آشکار شدن این بستگی ها عملاً به سست شدن شان و از این رو تعدیل گفتار و برقراری مجدد ارتباط و گفتگو یاری رساند.

برخورداری شیوه ام از چنین مزایایی را شاید این جور توان نشان داد که تحلیل من از «خطابه ارتجاعی» در او آخر کتاب چندان تغییر جهت می یابد که نوع لیبرال یا مرفقی را هم در بر می گیرد، چیزی که تا حدی اسباب تعجب خودم نیز هست.